

ناهید صداقت، پس از ابتلا به سرطان بدخیم و مقاومت در برابر آن  
حالا خودش ناجی دیگر بیماران است

# سرطان دوست داشتنی من

۵۶۴



۶

روایت اهالی محله  
فردوسی از روزهایی  
که زمین کشتی شهدای  
چهار برج، محل رقابت  
پهلوانان شهر بود

گرد فراموشی  
روی گود محله



۷

هم‌رنگی اقتدار مختلف در خلع سلطنت

۸

بدون حساب کتاب، در کنار هم هستیم

ساکنان انتهای بولوار سیدرضی، برای رسیدن به منزل، ۸۰۰ متر مسیر اضافه طی می کنند

## از دست رفتن زمان، پشت چراغ قرمز



سیدمصطفی بهشتی پس از حرکت در مسیر بولوار آموزشگار و عبور از ورودی بولوار دانش آموز، در ضلع جنوبی بولوار آموزشگار، تابلو معبر شهید رجایی ۳۷ را می بینیم. این خیابان مقصد نهایی ماست؛ برای ورود به آن، تا تقاطع بولوارهای آموزشگار و سیدرضی پیش می رویم و پس از سبز شدن چراغ راهنمایی، بولوار آموزشگار را دور می زنیم تا به آموزشگار ۳۵ برسیم. این مسیر اضافه ای که باید طی شود و ماندن پشت چراغ قرمز بر ترافیک، مشکل ساکنان انتهای بولوار سیدرضی است.

### طی کردن ۸۰۰ متر مسیر اضافه

مهدیه شمشادی، ساکن محله شهیدرضوی، توضیح می دهد: همان طور که می بینید، ما برای رسیدن به خانه خودمان باید حدود چهارصد متر مسیر را در بولوار آموزشگار طی کنیم و دوباره همان راه را برگردیم، در حالی که اگر یک دور برگردان در این مسیر ایجاد شود، لازم نیست کلی از وقت خود را پشت چراغ قرمز سیدرضی تلف کنیم. الان روز است؛ اگر شب بیاید وضعیت این چراغ قرمز را ببینید، متوجه می شوید که ایجاد دور برگردان چقدر ضروری است.

امیرحسین خورشیدیان که بارها پیگیر این موضوع بوده است، ما را قدم زنان تا مقابل سالن ورزشی امیدوزندگی همراهی می کند و می گوید: اینجا فقط یک محله مسکونی نیست. ما اینجا این سالن ورزشی بزرگ و پرامکانات داریم که شهروندان بسیاری از نقاط مختلف به آن رفت و آمد می کنند؛ همچنین بوستان بزرگ کشت پارک در اینجا قرار دارد. پس اگر در بولوار آموزشگار دور برگردان احداث شود، شهروندان بسیاری از آن بهره مند می شوند.

### راه دور تا بازار و معطلی های تکراری

فرزانه خوشای، از دیگر ساکنان این محدوده، نیز می گوید: اگر اشتباه نکنم در این محدوده، حدود ۶ تا ۷ هزار نفر ساکن هستند و در هر خانواده حداقل یک نفر از وسیله شخصی استفاده می کند که در این مسیر تردد دارد. بنابراین مشکلی که مادر باره آن صحبت می کنیم، یک معضل برای همه این خانواده هاست. ما باید دقایقی طولانی را در ترافیک چراغ قرمز تقاطع بولوار آموزشگار و سیدرضی سپری کنیم تا به خانه برسیم. در حالی که با ایجاد یک دور برگردان این مشکل برطرف می شود.

خوشای ادامه می دهد: در این محدوده، کمترین فضای تجاری را داریم و خیلی از مواقع، مجبوریم برای خرید مواد خوراکی و میوه با ماشین تا بولوار دانش آموز و سیدرضی را طی کنیم؛ به همین دلیل تردد ما با ماشین زیاد است و نبود دور برگردان، مشکل ما را بیشتر می کند.

### به دلایل فنی، خبری از دور برگردان نیست!

رئیس اداره عمران، حمل و نقل و ترافیک شهرداری منطقه ۱۱ درخواست ساکنان حاشیه بولوار آموزشگار را اجرائشده می داند و می گوید: ما برای بررسی موضوع و ایجاد دور برگردان، سه بار با سازمان ترافیک شهرداری مشهد مکاتبه کرده ایم اما متأسفانه پاسخ این مجموعه پس از بررسی کارشناسی مسیر و میزان تردد، منفی بوده است.

مهرداد آریافر در ادامه توضیح می دهد: ما برای ایجاد دور برگردان در این مسیر مشکل مالی و اعتباری نداریم، کافی بود که سازمان ترافیک طرحی به ما ارائه کند. اما این درخواست به دلایل فنی تأیید نشده است.

او در توضیح دلایل مخالفت سازمان ترافیک با اجرای طرح اضافه می کند: بولوار آموزشگار، مسیری با شرایط خاص است که برای آن، یک کاربری تعریف شده است. توضیح کامل در این زمینه را باید سازمان ترافیک ارائه کند. آنچه باید اشاره کنیم، این است که اگر مادر این مسیر دور برگردان ایجاد کنیم، ممکن است باعث ترافیک شود یا به لحاظ ایمنی، اجرای آن ممکن نباشد؛ بنابراین مخالفت با اجرای این طرح دلایل فنی دارد و سازمان ترافیک به دلیل ایجاد تغییر در محور اصلی یعنی بولوار آموزشگار، با ایجاد دور برگردان در این نقطه مخالف است.

منطقه ۱۲

منطقه ۱۱

همسایه به همسایه، دیدار دوم، کوچه بوستان ۱۹/۵

## بدون حساب کتاب، در کنار هم هستیم

میترا صدراپای صحبت بانوان ساکن در خیابان بوستان ۱۹/۵ که می نشینیم، همگی از یکدیگر به نیکی یاد می کنند. همسایگان این کوچه و خیابان بوستان ۱۹ تقریباً همه یکدیگر را می شناسند و در برگزاری برنامه های فرهنگی و مراسم مذهبی در مناسبت های مختلف به یاری هم می آیند. بیشتر این بانوان بیش از پانزده سال است که با هم همسایه و از حال هم باخبرند. آن ها کوچه های خاکی محله را پشت سر گذاشته و برای رسیدن برق و گاز به این محله دوندگی کرده اند. بانوان محله، خاطرات بسیاری کنار هم رقم زده اند که هر کدام یک کتاب داستان شیرینی است. در میان گفت و گوها الهالی به نام فاطمه مکتب دار به عنوان همسایه خوب کوچه می رسمیم.

### دست خاوری برای کمک به نیازمندان

فاطمه مکتب دار متولد ۱۳۴۳ یکی از ساکنان قدیمی، حدود ۲۵ سال است که اینجا سکونت دارد. او و خانم های دیگر فراتر از همسایه اند و همدیگر را خواهر صدا می کنند. او می گوید: اینجا خانم ها دست خاوری به هم داده اند تا پایه پای هم فعالیت های فرهنگی و خیر داشته باشند. هر وقت کار و مشکلی برای یکی از همسایه ها به وجود می آید، همه برای رفع مشکل یک صدا می شوند.



بانوان محله، خیریه حضرت فاطمه زهرا (س) را نیز راه انداخته اند تا به خانواده های نیازمند و مستضعف کمک کنند. هر کدام در این خیریه مسئولیتی داریم؛ خود من کار تحقیق را انجام می دهم. اگر خانواده ای نیاز مالی داشته باشد، برای آن ها بسته غذایی آماده می کنیم. کمک جهیزیه نیز بخشی از فعالیت های خیریه ماست.

### برگزاری مناسبت ها با همراهی همسایه ها

در این کوچه هر زمان همسایه ها روضه یا مراسمی دارند، به کمک هم می آیند؛ از کارهای پیش از شروع مراسم تا روز برگزاری که خودش برنامه ای مفصل است. کنار هم هستند. نرگس خاوری بانوی بعدی است که فاطمه مکتب دار به ما معرفی می کند. بیشتر مراسم در منزل او برگزار می شود. با فاطمه خانم به در خانه نرگس خانم می رویم. نرگس خانم ۵۳ سال دارد و از سال ۷۶ ساکن اینجا است. همسرش بازنشسته جهاد کشاورزی است و همین جا خانه خریده و ساکن شده اند. او می گوید: کوچه ما به روضه های هفتگی و برگزاری مراسم هیئت در ایام محرم و صفر معروف است. همه همسایه ها در برگزاری مراسم پایه پای بانی همراهی می کنند. اصلاً اگر همسایه ها نباشند، کار از پیش نمی رود. همسایه ها همدل و همفکرند و همیشه یکدیگر را حمایت می کنند. اگر کسی راهی سفر شود، همسایه بغل دستی هوای خانه و زندگی اش را دارد.



### دوستی بی حساب و کتاب

شهلا همتی مسئول دوره قرآن بانوان محله است. ۵۱ سال دارد و اصالتاً اصفهانی است و با همان لهجه شیرین می گوید: سی سال پیش به مشهد آمدم و از سال ۷۹ ساکن اینجا شدیم. همسایه های خیلی خوبی داریم. من به غریبی آدمم. اما اینجا غریبی را احساس نکردم. همسایه هایی خوب و همدل دارم. حتی در صفحات مجازی گروهی داریم به نام «رفقای همدل» که نشان می دهد چقدر بدون حساب و کتاب کنار هم هستیم. اگر کسی بخواهد روضه بگیرد، در همین گروه اعلام می کند و همه از هر طریقی که در توانشان باشد، به کمکش می روند و این باعث استحکام رفاقت و همدلی الهالی اینجا است. دوستی کلیدواژه این کوچه است.



## منطقه ۱۱

### بازدید از شهرداری منطقه

جواد اصغری، سرپرست شهرداری مشهد، به همراه اعضای شورای اسلامی شهر مشهد، فاطمه سلیمی و مجید طهوریان عسکری از شهرداری منطقه ۱۱ بازدید کردند. در این بازدید سرپرست شهرداری مشهد و اعضای شورای شهر در نشست با مهدی عرفانیان، شهردار منطقه ۱۱، با کارمندان منطقه دیدار و گفت‌وگو کردند. در این بازدید برخی پروژه‌های در حال اجرای منطقه و نیازهای این حوزه بررسی شد.

### تشکیل شورای فرهنگی

بامشارکت ادارات و نهادهای فرهنگی و اجتماعی و به منظور برگزاری باشکوه مراسم گرامیداشت دهه فجر، شورای فرهنگی منطقه ۱۱ تشکیل شد. نمایندگان اداره آموزش و پرورش، نماینده حوزه مقاومت بسیج سپاه سلمان و منتخبان مساجد، اعضای تشکیل دهنده این شورا هستند. علاوه بر مراسم دهه مبارک فجر، در این شورا درباره برگزاری اعیاد شعبانیه و استقبال از بهار ۱۴۰۲ بحث و گفت‌وگو می‌شود.

### دیدار با خانواده شهدا

هم‌زمان با آغاز دهه مبارک فجر، حمیده قهرمانی، رئیس اداره اجتماعی و فرهنگی شهرداری منطقه ۱۱ و تعدادی از اعضای شورای اجتماعی محلات منطقه با خانواده شهدا دیدار کردند. اعضای حاضر در این برنامه فرهنگی ابتدا به دیدار خانواده شهید مجتبی جهانی رفتند و در ادامه با خانواده شهید سیدرضا گلزاری دیدار کردند. این دو شهید در عملیات خیبر و در جزیره مجنون به درجه رفیع شهادت نائل شدند.

### پاسخ گویی به شهروندان

در ۹ ماه ابتدایی سال ۱۴۰۱، به بیش از ۹ هزار و ۵۰۰ پیام مردمی منطقه ۱۱ از طریق سامانه ۱۳۷ پاسخ گویی شد. در این بازه زمانی به ۹۶ درصد درخواست‌های مردمی در بازه زمانی کمتر از ۷۲ ساعت پاسخ گویی شده است. در میان پیام‌های دریافتی، سه موضوع فضای سبز، خدمات شهری و ساخت و ساز بیشترین پیام شهروندی را به خود اختصاص داده‌اند.

### نصب وسایل ورزشی توان یابان

زمین بازی وسایل ورزشی ویژه توان یابان در دهه فجر در بوستان نیایش به بهره‌برداری می‌رسد. این اقدام در راستای توجه جدی به توان یابان و بهسازی فضاهای عمومی برای تسهیل بهره‌مندی این افراد از امکانات شهر انجام می‌شود. دستگاه در حال نصب در بوستان نیایش شامل دوازده وسیله تفریحی و ورزشی است که با اعتبار ۷ میلیارد ریال در این مکان قرار می‌گیرد.

### تعویض چمن مصنوعی

با هدف تأمین نیاز ورزشکاران منطقه و به منظور ایجاد فضایی ایمن، چمن مصنوعی زمین ورزشی بوستان نیایش تعویض می‌شود. تعویض چمن مصنوعی به مساحت ۱۱۲ متر مربع و با اعتباری بالغ بر ۶ میلیارد و ۵۰۰ میلیون ریال اجرایی می‌شود و تا پایان دهه فجر به بهره‌برداری می‌رسد. این اولین پروژه طرح نوسازی اماکن ورزشی منطقه است و در ادامه در سایر فضاهای ورزشی اجرایی خواهد شد.

### پیشرفت بوستان سجادیه

پروژه احداث بوستان سجادیه واقع در انتهای سجادیه ۶، پیشرفت ۹۷ درصدی داشته است. این بوستان در زمینی به مساحت ۶ هزار و ۷۰۰ متر مربع و با اعتباری بالغ بر ۷۵ میلیارد ریال در حال تکمیل است. برای این فضای سبز محلی، زمین ورزشی، آب‌نما، وسایل ورزشی و بدن سازی و زمین بازی کودکان در نظر گرفته شده است که تا پایان بهمن به صورت کامل به بهره‌برداری می‌رسد.

### استقبال از بهار ۱۴۰۲

بررسی طرح‌ها و برنامه‌های شهرداری منطقه ۱۲ برای استقبال از بهار ۱۴۰۲ در حوزه فضای سبز آغاز شد. در طرح‌های اولیه بر کاشت گونه‌های گیاهی و گل‌های مختلف فصلی در سطح بوستان‌ها و معابر منطقه تأکید شده است. در شروع فعالیت‌های استقبال از بهار در منطقه ۱۲، کاشت گل و گیاه و طراحی المان‌های بهاری برای بوستان صادقیه انجام می‌شود.

با بهره‌برداری از پروژه چپ گرد «حاج قربان» رقم خواهد خورد

## کاهش ۵ کیلومتری مسیر برای ساکنان الهیه



سیدمصطفی بهشتی اجرای پروژه‌های عمرانی، اولویت شهرداری مشهد در سال‌های گذشته بوده است و در این مدت، منطقه ۱۲ جزو مناطقی بوده که پروژه‌های بسیاری در آن اجرا شده است؛ البته چند طرح هم در مراحل پایانی کار قرار دارد. چپ گرد غیرهمسطح بزرگراه پیامبر اعظم (ص) به بزرگراه آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، یکی از طرح‌های در حال اجراست. شهردار منطقه در گفت‌وگو با شهردار محله به توضیح وضعیت این پروژه پرداخت. حجت‌الاسلام شریعتمداری که در آغاز کار

خود در منطقه ۱۲، بازدید از محلات و پروژه‌های عمرانی را در دستور کار قرار داده است. درباره پروژه چپ گرد حاج قربان گفت: این پروژه عمرانی، یکی از طرح‌های مهم سال جاری به شمار می‌آید که در حوزه حمل و نقل و ترافیک در محور غرب تأثیر مستقیم خواهد داشت. وی ادامه داد: طول این مسیر ۵۷۰ متر است که ۲۸۰ متر آن عرشه بوده و ۲۹۰ متر رمپ است. حدود هشتصد متر مربع مساحت کلی پروژه است که با بهره‌برداری از آن، خودروهای عبوری از ضلع شرقی بزرگراه پیامبر اعظم (ص)، امکان دسترسی به بزرگراه آیت‌الله هاشمی رفسنجانی را خواهند داشت و در واقع مسیر تردد شهروندان، به ویژه ساکنان محدوده الهیه از طریق این پل، پنج کیلومتر کوتاه‌تر می‌شود. شریعتمداری درباره آخرین وضعیت این پروژه افزود: تا اینجای کار، عملیات زیرسازی، آماده‌سازی و جدول گذاری به پایان رسیده است و به زودی مسیر مورد نظر آسفالت می‌شود؛ بر اساس برآورد ها حدود ۳۳۰ تن آسفالت برای این پروژه پیش‌بینی شده است. این شهردار منطقه ۱۲ در ادامه افزود: این پروژه از سوی معاونت حمل و نقل و

ترافیک شهرداری مشهد احداث می‌شود و بر اساس پیش‌بینی هادر دهه فجر انقلاب اسلامی به بهره‌برداری خواهد رسید. شریعتمداری در پایان گفت: علاوه بر پروژه اصلی که در این نقطه در حال اجراست، یک ریزپروژه نیز با عنوان دوربرگردان بزرگراه آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، در انتهای بزرگراه در حال احداث است که به خودروهای عبوری امکان تغییر مسیر در دو ضلع بزرگراه را خواهد داد و هم‌زمان با پروژه اصلی به بهره‌برداری خواهد رسید.

اعضای شورای اجتماعی محلات منطقه ۱۲ از پروژه‌های عمرانی شهر بازدید کردند

## پروژه‌ها زیر ذره بین شهروندان



سیدمصطفی بهشتی اعضای شورای اجتماعی برخی محلات منطقه ۱۲ از پروژه‌های عمرانی شهرداری در شهر و منطقه ۱۲ بازدید کردند. این بازدید به منظور معرفی خدمات عمرانی شهرداری مشهد به اعضای جدید شورای اجتماعی محلات انجام شد.

دبیر شورای اجتماعی محلات منطقه ۱۲ درباره این بازدید توضیح داد: در این برنامه، سعی کردیم شهروندان را با پروژه‌های در حال اجرا آشنا کنیم تا هم اقدامات شهرداری در این حوزه معرفی شود و هم شهروندان نظر خود را درباره این پروژه‌ها مطرح کنند.

اکرم بخشی ادامه داد: در این بازدید، اعضای شورای اجتماعی محلات امیریه، کلاته برفی، چهار برج، فردوسی، نقویه و وکیل آباد حاضر بودند و بوستان وکیل آباد، پروژه قطار شهری و پروژه‌های در حال اجرای منطقه ۱۲ بازدید کردند.

وی ادامه داد: حضور در محل اجرای پروژه‌ها برای اعضای شورای اجتماعی محله جالب بود و نکته مهم این بود که با سختی برخی پروژه‌ها آشنا شدند و حال بهتر می‌توانند دلایل تأخیر در اجرا یا طولانی شدن برخی پروژه‌ها را به اهالی محلات منتقل کنند.

اعضای شورای اجتماعی محلات هم که از پروژه‌های منطقه

و شهر بازدید کردند. نظرات متفاوتی درباره این طرح‌های عمرانی داشتند. غلامرضا باهوش، عضو شورای اجتماعی محله جاهد شهر، در این باره توضیح داد: طرح‌های خوبی در منطقه اجرا شده است و اجرا خواهد شد. پروژه چپ گرد، «حاج قربان» واقعا مفید است و می‌تواند به کاهش ترافیک کمک کند. ما از نزدیک زحمت‌های نیروهای شهرداری را می‌بینیم که در این هوای سرد مشغول کارند و واقعا از آن‌ها ممنونیم.

محمد شریف، از اعضای شورای اجتماعی محله فردوسی، نیز درباره پروژه‌های اجرایی گفت: اجرای کار عمرانی برای شهر بزرگی مانند مشهد ضروری است. اما باید کارشناسی برای پروژه‌ها انجام شود. برای مثال پروژه‌های محدوده توس این ناحیه را آباد تر از قبل کرده ولی عوارضی هم برای شهروندان داشته است.

شریف ادامه داد: سرعت کار در اکثر پروژه‌های بزرگ خوب است، اما طرح‌های عمرانی محلی با سرعت اندک پیش می‌رود. فکر می‌کنم اگر تزیین بودجه به این طرح‌ها صورت گیرد که پروژه‌ها تا پایان سال به پایان برسد، خوب است. امروز اعضای بازدیدکننده از وضعیت احداث خط ۳ مترو نیز نگران بودند؛ زیرا به نظر می‌رسد فعلا خبری از افتتاح آن نیست. اجرای این پروژه برای فرار از ترافیک‌های شهر لازم و ضروری است.

ناهید صداقت، پس از ابتلا به سرطان بدخیم و مقاومت در برابر آن  
حالا خودش ناجی دیگر بیماران است

## سرطان دوست داشتنی من

فهمه شهری یک دختر چهارده ساله و یک پسر دوساله داشت که فهمید سرطان بدخیم دارد. پدرش را در اثر سرطان از دست داده بود و فکر می کرد این بیماری مساوی با مرگ است. شب و روزش شده بود گر به تا اینکه یک خانم دیگر مبتلا به سرطان، باعث شد نگاهش به این بیماری تغییر کند و تصمیم گرفت آن را بپذیرد اما ادامه راه هم به این راحتی میسر نبود. جلسه اول شیمی درمانی آن قدر حالش بد شد که مرگ را ترجیح داد. خواهرش به پزشک شک گفته بود: «اگر قرار است بمیرد، شیمی درمانی اش نکنید تا این قدر زجر نکشد، اما با دلگرمی های پزشکش درمان را ادامه داد. حالا سیزده سال از بهبودی او می گذرد و وقتی درباره آن روزها صحبت می کند، این طور از بیماریش یاد می کند: «سرطان دوست داشتنی من! ناهید صداقت گرچه روند بسیار سختی را برای درمان سپری کرده است، به دلیل سرطان، تغییراتی در زندگی فردی و اجتماعی اش روی داده که باعث شده است این بیماری را از الطاف خداوند در حق خودش بداند.

او بعد از بهبودی، حال روحی خیلی هارا خوب کرده و از آن زمان تا کنون جزو مددکاران افتخاری مؤسسه های حمایت از بیماران سرطانی است. همچنین در برگزاری کلاس ها و همایش های مربوط به بیماران سرطانی مشارکت می کند و عضو ثابت مؤسسه های مردم نهاد است.

### ● آمبولانسی که جلو در خانه مادرم دیدم

۱۵ بهمن روز جهانی سرطان باعث شد سراغ این بانوی پنجاه و شش ساله محله آزادشهر برویم. خوش رو و خوش صحبت است. نه تنها اثری از بیماری در او دیده نمی شود، بلکه از هم سن و سال های خودش هم شاداب تر است. از آن آدم های خونگرمی است که به راحتی می توان با او ارتباط برقرار کرد. ناهید صداقت بعد از اینکه از شلوغی این روزهایش می گوید که چطور درگیر برگزاری مراسم مربوط به هفته مبارزه با سرطان است، سر اصل مطلب می رود و از روزهایی تعریف می کند که درگیر بیماری سرطان شد، ۲۰ آبان سال ۸۷ داشتیم می رفتیم از مادرم خبر بگیرم. از دور دیدم که جلو خانه مادرم آمبولانس ایستاده است، چون قبلا هم یکی دوبار آمبولانس آمده بود. فکر کردم شاید فشارش بالا رفته یا قلبش درد گرفته است. داخل خانه که رفتم، دیدم روی مادرم پارچه سفید کشیده اند. یکبار به جای خودش، جنازه اش را دیدم. شوک خیلی بدی بهم وارد شد. بعد از فوت پدرم، دیگر تحمل نبود مادرم را نداشتم. نیازی به توضیح نیست و همه می دانند چه درد سختی است. بیست روز بعد، غده ای را در بدنم احساس کردم اما جدی نگرفتمش. چون هیچ علامت دیگری نداشتم. فکر می کردم توده چربی است. به دکتر که مراجعه کردم، آزمایش نوشت. آن قدر سطحی به موضوع نگاه می کردم که جواب آزمایش هارا ادامه همسرم ببرد به دکتر نشان دهد.

### ● هر چه دلداری ام می دادند، فکر می کردم تصنعی است

آنجا که بیشتر به همسر صداقت می گوید که خانمش سرطان سینه دارد و باید کل توده و محدوده اطرافش را بردارند. همسرش به دکتر می گوید نمی توانم این موضوع را به او بگویم، «دکتر هم می گوید بیاوریدش تا خودم بگویم، وقتی صداقت را نزد دکتر می برند، از صحبت های او می فهمد که سرطان دارد. این بانوی فعال اجتماعی تعریف می کند: همین که فهمیدم سرطان دارم، چشمانم سیاهی رفت. زدم زیر گریه و گفتم من دو تا بچه دارم. فکر می کردم سرطان مساوی مرگ است. پدرم هم در اثر سرطان خون فوت کرده بود. همسایه مان هم سرطان داشت. می دیدم چقدر حالش بد می شود. کلی برای همسایه مان گریه کرده بودم. دکتر خیلی دلداری ام داد و می گفت اگر به موقع درمان کنم، خوب می شوم اما من فقط به این فکر می کردم که بعد از مرگم چه بر سر دختر چهارده ساله و پسر دوساله ام می آید. دلگرمی های دکتر و همسرم ذره ای در من تأثیر نداشت. روز بعد همسر برادرم به همسایه مان گفته بود من به سرطان مبتلا شده ام و از او خواسته بود کمی با من صحبت کند تا روحیه ام را به دست آورم. خدا خیرش دهد همسایه مان را، آمد پیشم و در حالی که من داشتم گریه می کردم، گفت: این کارها چیست که می کنی؟ پیش از مرگ او ایلا! من را ببین که شیمی درمانی ام تمام شده است و دارم خوب می شوم.» حرف های این همسایه به شدت روی صداقت تأثیر می گذارد. به قول خودش انجامی فهمد معنی اینکه می گویند «به جای طبیب پیش درد کشیده برو» یعنی چه. تا این زمان هر قدر اطرافیان به او دلداری می دادند، صداقت فکر می کرد آن ها او را درک نمی کنند و دلداری تصنعی می دهند. تصمیم گرفت به جای گریه و اینکه هی بگوید چرا من باید به این بیماری مبتلا شوم، سرطان را بپذیرد و با آن مبارزه کند.





### ● شیمی درمانی طاقت خانواده‌ام را برد

اومی گوید: ۲۵ آذر سال ۸۷ جراحی کردم و توده را برداشتند. بعد از عمل، تا ۱۰ روز تا شلنگ در بدنم بود که از آن‌ها چرک و خون خارج می‌شد. از بهمن هم شیمی درمانی را شروع کردم. با اینکه به من گفته بودند شیمی درمانی سخت است و خودم را برای آن آماده کرده بودم، باز هم در عمل خیلی سخت‌تر از آن چیزی بود که فکرش را می‌کردیم. جلسه اول به شدت حالم بد شد. تهوع و دردهای شدیدم به کنار، چنان بدنم پرش و لرز داشت که هیچ جوهره نمی‌توانستند آرامم کنند. به معنای واقعی زجر کشیدم. آن قدر حالم بد بود که خواهرم گریه کنان به دکتر گفته بود: «اگر قرار است بمیرد، دیگر شیمی درمانی اش نکنید تا این قدر اذیت نشود». اما دکتر گفته بود: «ما این کارها را می‌کنیم که نمیرد. روند درمان را ادامه دهید تا بتوانیم او را به زندگی برگردانیم.»

او این روزهای خیلی سخت را مقاومت می‌کند. از جلسه دوم شیمی درمانی موهایش را کوتاه می‌کند، با وجود این هر بار می‌دیده که همان موهای کوتاه هم روی سرش نمی‌ماند. صداقت که تا این لحظه به راحتی و بالبل خندان روند بیماری اش را تعریف می‌کند، اشک در چشمانش جمع می‌شود و ادامه می‌دهد: جوان بودم و تحمل ریختن موهایم بر ایمن سخت بود. حتی یک تار مو بر ایمن نماند. همیشه یک روسری سرم بود و هیچ وقت نگذاشتم کسی سرم را آن طور ببیند. با خودم گفتم اگر دخترم، همسرم یا پسر دوساله ام من را این طوری ببینند، روحیه‌شان خراب می‌شود. به خاطر این بیماری، بسرم را یک باره از شیر گرفته بودم و بی تابی می‌کرد اما حتی نمی‌توانستم بغلش کنم. فشارهای روحی باعث شد لکنت زبان بگیرد، ولی باز هم نمی‌توانستم کاری برایش انجام دهم. دخترم هم در سن بلوغ بود و من نه تنها نتوانستم بحران‌های این سن او را کم کنم، بلکه او با بحرانی مضاعف روبرو شده بود. ناخن‌های دست و پاهایم سیاه شد. کل دهانم پر از زخم بود. از هر غذایی و هر بویی بد می‌آمد. با هیچ دارویی حالت تهوع‌ها هم کنترل نمی‌شد. اطرافیان با دیدن حال روز من نمی‌توانستند، جلو گریه‌شان را بگیرند، اما من به آن‌ها روحیه می‌دادم و می‌خنداندمشان. خلاصه شیمی درمانی را به هر سختی بود، تمام کردم و بعد هم ۲۵ جلسه پرتودرمانی رفتم.

### ● آشنایی با مؤسسه‌های حمایت از بیماران سرطانی

این بخش از روند درمان صداقت تا مهر سال ۸۸ طول می‌کشد و روبرو بهسودی می‌رود اما کمتر می‌گوید تا ۱۰ سال بعد باید دارو مصرف کند. این داروها هم عوارضی داشته که باید برای درمان آن‌ها دارو مصرف می‌کرده است. او همه این درمان‌ها را با موفقیت پشت سرمی گذارد. به طوری که به جای ۱۰ سال، بعد از هفت سال دکتر داروهایش را قطع می‌کند و از آن به بعد، فقط سالی یک بار آزمایش‌های تخصصی سرطان را انجام می‌دهد. صداقت با وجود داشتن سابقه زنتیکی، از سال ۸۸ تا کنون دیگر بیماری سرطانش بازگشت نکرده است. او روحیه خوب را از اصلی‌ترین دلایل این موضوع می‌داند و در باره‌اش می‌گوید: از طرفی صحبت‌های همسایه‌مان باعث شد بیماری

را بپذیرم و به جای اینکه در انتظار مرگ بنشینم دنبال درمان باشم و از طرف دیگر، طی رفت و آمدهایی که به مؤسسه درمانی رضا<sup>(۲)</sup> داشتم، متوجه شدم مؤسسه مردم‌نهادی به نام انجمن حمایت از بیماران سرطانی، خدمات مختلفی به این بیماران می‌دهد، به ویژه در زمینه هزینه‌های درمان خیلی فعال بودند و نمی‌گذاشتند بیماری به دلیل نداشتن پول، درمانش به تعویق افتد. چون خودم به واسطه صحبت‌های یک بیمار سرطانی، روحیه‌ام را به دست آورده بودم، دلم می‌خواست بتوانم به دیگر بیماران سرطانی که مثل خودم غرق در ناامیدی هستند، کمک کنم. به همین دلیل عضو این انجمن شدم و از آن زمان تا الان یکی از اعضای ثابت آن‌ها هستم و در برگزاری کلاس‌ها و همایش‌های مختلفی که برای بیماران سرطانی دارند، مشارکت می‌کنم.

### ● تغییر نگرش به زندگی

او همین‌ها را برکت بیماری سرطانش می‌داند و می‌گوید: من در مسائل اخلاقی فرد بسیار مقیدی بودم و وقتی کسی رفتاری خلاف این با من داشت، ممکن بود تا چند هفته گریه کنم؛ در واقع خودم را اذیت می‌کردم اما این کلاس‌ها باعث اصلاح افکارم شد و به نظر خودم همین تغییر طرز فکر باعث شد که بیماری من برنگردد.

او که به واسطه حضور در انجمن‌ها، با بیماران متعدد سرطانی در ارتباط است، می‌گوید: من به تجربه دیده‌ام که ۹۵ درصد از کسانی که به سرطان مبتلا می‌شوند، یا شوک عصبی ناگهانی و

شدیدی دیده‌اند، یا چند سال پیوسته و مستمر از افکار و موضوعات روحی رنج برده‌اند. من هم اگر می‌خواستم با همان طرز فکر قبلی زندگی کنم به احتمال خیلی زیاد، دوباره سرطانم بازگشت می‌کرد، اما عمیقاً اعتقاد دارم که چون نوع نگاهم به زندگی را تغییر دادم، بهبودی کامل پیدا کردم.

صداقت با افتخار از این روزها یاد می‌کند و همین‌ها باعث شده است که هر وقت در باره بیماری سرطانش صحبت می‌کند، بگوید «سرطان دوست داشتنی من!»، به نظر او سرطان درهایی به رویش گشوده که تا قبل از آن بسته بوده است؛ به همین دلیل باز تأکید می‌کند: اگر می‌گویم «سرطان دوست داشتنی من، اغراق نمی‌کنم.

از تدهل این را می‌گویم و واقعاً سرطانم را دوست دارم. همچنین آشنایی‌ام با مؤسسه‌های حمایت از بیماران سرطانی باعث شد وارد فعالیت‌های اجتماعی شوم.

سال ۶۸ موقعیت تدریس برایش فراهم بود اما به دلایلی نتوانسته بود به آن بپردازد. تا زمان بیماری خانه‌دار بوده و به قول خودش همیشه حسرت می‌خورده که چرا نتوانسته وارد فعالیت‌های اجتماعی شود، اما به واسطه بیماری سرطان، فرصت آشنایی و حضور در مؤسسه‌های مردم‌نهاد را پیدا می‌کند. او در این بین با بیماران سرطانی متعددی صحبت و کمکشان کرده است که روحیه خود را به دست آورند.

### ● هم‌دردی با دیگر بیماران سرطانی

صداقت که خاطرات بسیاری از این افراد دارد، می‌گوید: خانم پنجاه ساله‌ای بود که وقتی فهمید سرطان دارد با فرزندانش برای درمان همکاری نمی‌کرد و امید می‌بهبود نداشت. بعد از اینکه با او صحبت کردم و از خودم برایش تعریف کردم، آن قدر روحیه‌اش خوب شده بود که دخترش زنگ زد و از من تشکر کرد و گفت مادرش بیشتر از آن هادنبال درمان است.

او ادامه می‌دهد: خانم دیگری بود که روحیه بسیار گوشه‌گیر و درون‌گرای داشت. این افراد همه شوک‌ها و ناراحتی‌های ابتلا به سرطان را درون خودشان می‌ریزند و همین فشارهای عصبی مضاعف، در روند درمانشان تأثیر منفی دارد اما او را هم با مؤسسه‌های حمایت از بیماران سرطانی آشنا کردم و بعد از مدتی آن آدم گوشه‌گیر قبل، فردی اجتماعی شد و حالا هم که چند سال گذشته، هر بار صحبتش می‌شود، دعای خیر می‌کند و می‌گوید: اگر تو من

را با مؤسسه‌های حمایت از بیماران سرطانی آشنانمی‌کردی، اگر از سرطان نمی‌مردم، از گوشه‌گیری و روحیه‌بدم‌دق می‌کردم.»

به نظر صداقت، هر عاملی که باعث شود ما انسان بهتر، صبورتر و مهربان‌تری شویم و بیشتر قدر زندگی و اطرافیانمان را بدانیم، یک اتفاق مبارک و دوست‌داشتنی است. ابتلا به سرطان هم برای خیلی از مبتلایان آن چنین برکاتی دارد.

خانه این بانوی فعال اجتماعی، محلی برای سرجمع کردن داروها و کمک‌های مردمی به نیازمندان و به ویژه بیماران مبتلا به سرطان است. او به واسطه مؤسسه‌هایی که در آن‌ها عضویت دارد، برای بیماران سرطانی نیازمند، دارو و اقلام حمایتی می‌فرستد و به گفته خودش یکی از بزرگ‌ترین لذت‌های زندگی فعلی اش، این است که امیدوار بیماران سرطانی زنده‌نگه دارد.



روایت اهالی محله فردوسی از روزهایی که زمین کشتی شهدای چهار برج، محل رقابت پهلوانان شهر بود

## گرد فراموشی روی گود محله

در اختیار پهلوانان بود. در گذشته، مردم برای کشتی و دیدن آن از همه نقاط به ویژه شهرستان‌های اطراف در اینجا حضور پیدا می‌کردند. حالا چند سالی است که مسابقه‌ای برگزار نمی‌شود؛ چون گود خوبی نداریم. اگر به اینجا برسند، توس می‌تواند مهد کشتی چوخه و جود و شود، همان‌طور که شهر جویبار مهد کشتی آزاد و قطب آن است.

### جام شهید کشتی گیر

سید اصغر در مسابقات کشتی چوخه سال ۹۵ در وزن ۷۵ کیلو نفر دوم شده است. درباره آن مسابقات می‌گوید: آن سال صدمه دیده بودم و چند ماهی بود هیچ تمرینی نداشتم، اما چون مسابقه در منطقه خودمان برگزار می‌شد، تصمیم گرفتم در آن شرکت کنم. شروع به تمرین کردم تا جلو هم محلی‌هایم سر بلند شوم.

او در پایان در باره برگزاری باشکوه آخرین دوره مسابقات در این گود می‌گوید: نام آن مسابقات، جام شهید با نظر بود که خودش کشتی گیر بوده است. یادم است که رسول جیبی، یکی از هم‌زمان شهید با نظر، در این مسابقات به تعریف خاطرات همه رقم زد. از همان مسابقات بود که ایده ساخت گود طاب شروع شد. ۱۱۵ نفر در مسابقه شرکت کردند و حدود هشتصد نفر هم ایستاده و نشست دور گود، رقابت‌ها را تماشا می‌کردند. مهم‌ترین درس از کشتی چوخه، تأکید بر مردانگی، گذشت و صبر است. این آیین باستانی ما بوده است و با تکمیل ساخت این گود، می‌توانیم ورزش و اخلاق را دوباره کنار هم پرورش دهیم.

میترا صدرا وارد خیابان شاهنامه ۶۸ می‌شویم. تا چشم کار می‌کند، زمین بی‌آب و علف است و در فاصله‌ای دورتر چند خانه خودنمایی می‌کنند. به میانه‌های معبر که می‌رسیم، باید چند قدمی به سمت راست برویم تا گود کشتی با چوخه را ببینیم. گود زیر خار و خاشاک پنهان شده است و اگر از اهالی کسی مارا راهنمایی نکند، پیدا کردن این گود کار سختی می‌شود. گود کشتی با چوخه شهدای چهار برج در سال ۱۳۹۴ از سوی اهالی و با عمق سه متر احداث شد، اما فقط دو سال پس از راه‌اندازی به دلیل حمایت نکردن مجموعه‌های متولی در حوزه ورزش، برگزاری مسابقات در آن متوقف شد. این گود که محلی برای سر شاخ شدن پهلوانان بود، حالا به دست فراموشی سپرده شده است.

همه ایام سال از اینجا استفاده کنیم. می‌خواهیم سالن باشد و تشک ببندیم. ابتدا اقرار بود سالن به صورت روباز باشد، اما قدیمی‌ها و بزرگان جمع شدند و گفتند بهتر است جایی باشد که در طول سال و برای رشته‌های دیگر هم بتوان از آن استفاده کرد. گود فعلی را هم مردم با کمک شهرداری درست کردند. زمین اینجا صاف بود و گود را با لودرو کمپرسی آماده کردیم و دور آن را فنس کشیدیم.

### گود ندارد، بیم و مسابقه‌ای هم برگزار نمی‌شود

«استان خراسان و توس، مهد کشتی چوخه است. خاک توس از قدیم پهلوان خیز بوده و ابیات شاهنامه و نام‌آوران پهلوانی همچون رستم و اسفندیار همواره بر زبان‌هایم چرخیده است. این‌ها جملات سید اصغر رضوی است، جوانی که سال ۹۵ در همین گود، کشتی گرفته است. او می‌گوید: از قدیم در شهر تاریخی توس، جشنواره‌های مختلفی برگزار می‌شد و پهلوان سال را در اینجا مشخص می‌کردند و جوایز هم اسب و شتر بود. اما در سال‌های اخیر شهر اسفراین میزبان جشنواره است و آنجا پهلوان را انتخاب می‌کنند. در صورتی که مشهد ظرفیت بیشتری دارد. از دیرباز هر جمعه در محدوده توس چوخه برپا بوده است، آن هم در چند نقطه و به ویژه نزدیک هارونیه و جلو آماگه فردوسی. قبل از سال ۹۵ هر هفته این گود



اعضای شورای اجتماعی محله چهار برج و ریش سفیدان توس از شهرداری خواستند که به آن‌ها در برگزاری جام شهید با نظر کمک کند و در این مسابقه با زبون پهلوانی به قهرمان سنگین وزن اهدا شد. در آن جام، کشتی‌گیری از کل استان خراسان رضوی در وزن‌های مختلف و در رده سنی بزرگ سالان حاضر شدند. خانواده شهدا از جمله شهید با نظر در مراسم حضور داشتند و کمربند پهلوانی را اهدا کردند. بودجه را شهرداری داد و مسابقه به همت اعضای شورای اجتماعی برگزار شد. حواشی جالبی هم داشت؛ مثلاً دوازده گوسفند به عنوان قند تقدیم پهلوانان شد. ناهار را هم با کمک اعضای شورای اجتماعی محله تهیه و توزیع کردیم.

او در باره رسم قدیم هدیه قند به پهلوانان این‌طور روایت می‌کند: از قدیم رسم بود که در مراسم مختلف، کشتی‌گیران به رقابت می‌پرداختند و در نهایت برنده جایزه‌ای می‌گرفت؛ مثلاً در عروسی‌ها کشتی‌گیری از خانواده ماد و عروس با هم رقابت می‌کردند و جایزه هم کله قند بوده اما قند در اصل معادل گاو، گوسفند و شتر است.

### گودی برای همه فصول سال

او در باره اینکه چطور زمین از سوی مردم در اختیار شهرداری قرار گرفته است، می‌گوید: حدود ۱۱۰ نفر از ساکنان اینجا مینی‌را که از خان به آن‌ها رسیده بود، به شهرداری سپردند تا اینجا برایشان سالن چند منظوره و گود سرپوشیده بسازد. کل زمین اهدا شده ۱۲ هزار متر است. گود با نظر در طاب روباز است و آنجا هم کشتی‌گیران تنها در فصول گرم سال کشتی می‌گیرند ولی ما می‌خواستیم در

### کشتی گرفتن پهلوانان در پنجشنبه‌ها

هشت سال پیش، در سال ۱۳۹۴ اهالی با کمک شهرداری منطقه ۱۲ بخشی از زمینی را که در میانه‌های شاهنامه ۶۸ واقع است، با لودر گود و صاف کردند تا پهلوانان شهر هر هفته پنجشنبه دور هم جمع شوند و کشتی بگیرند. گود روزگار پر رونقی داشته اما حالا پرا از خار و خاشاک است و گرد فراموشی روی آن نشسته است. از سال ۹۵ به بعد دیگر کشتی‌گیری وارد این زمین نشده است و اهالی منتظرند که شهرداری، ساخت و ساز این مجموعه را که قبلاً قولش را داده است، شروع کند. تعدادی کانکس، ماشین‌آلات سنگین، ماسه و سیمان با فاصله کمی از گود دیده می‌شود، اما ساخت و سازی جدی در کار نیست.



جواد اسلامی مقدم، از ساکنان و پهلوان قدیمی و از اعضای شورای اجتماعی محله چهار برج، می‌گوید: زمین‌های اینجا متعلق به اربابان قدیم بوده و بعد از اصلاحات ارضی بین کشاورزان تقسیم شده است. حالا همین مردم ۱۲ هزار متر مربع از زمین را به شهرداری واگذار کرده‌اند تا برای ساخت مجموعه ورزشی شهدای چهار برج از آن استفاده شود، قرار است این مجموعه ورزشی علاوه بر گود سرپوشیده، سالن بحران چند منظوره و زمین چمن هم داشته باشد. قبل از برگزاری جام شهید با نظر در سال ۹۵ هر پنجشنبه در این گود، پهلوانان توس با هم کشتی می‌گرفتند و اینجا رونق خوبی داشت، البته مسابقه کشتی در شش ماه اول سال که هوا مساعدتر بود می‌شد در گود مبارزه کرد، برگزار می‌شد. آن موقع آب، برق و گاز به اینجا نیامده بود و گود هیچ کدام از این امکانات را نداشت و زمان برگزاری مسابقه مشکلات بسیاری داشتیم.

### جایزه قند در گود چوخه

جواد آقا مهم‌ترین مراسم و مسابقاتی را که در این گود برگزار شده است، متعلق به همان سال یعنی مهر سال ۹۵ می‌داند و می‌گوید: آن زمان



محمد علی خوش قدم، معلم بازنشسته محله کلاته برفی از روزهای انقلاب اسلامی می گوید

## هم رنگی اقشار مختلف در خلع سلطنت



صندوق خاطرات

صدر انقلاب اسلامی که در سال ۱۳۵۷ رقم خورد، نتیجه سال‌ها مبارزه با سلطنت پهلوی بود. در این میان، مشهدهم رویدادهای مختلف را به خود دید که انقلابیون آن زمان، آن روزها را خوب به خاطر دارند. یکی از روزهای پر حادثه در آستانه انقلاب اسلامی، اتفاقات نهم و دهم دی ۱۳۵۷ در مشهدهم بود. آن یکشنبه خونین اوج مبارزات مردم مشهدهم با رژیم پهلوی بود؛ روزی که بسیاری از جوانان، زنان و کودکان به شهادت رسیدند. این تظاهرات به مناسبت سالگرد شهادت دی ماه سال ۱۳۵۶ قم و چهلمین روز فاجعه هجوم به حرم مطهر امام رضا (ع) انجام شد. محمد علی خوش قدم، از ساکنان محله اکبرآباد، یکی از افراد شرکت کننده در راهپیمایی‌های انقلاب بوده است و خاطرات آن روزها را بیان می کند.

### ● ترویج اندیشه‌های مختلف بین دانشجویان

محمد علی خوش قدم متولد شهر یور ۱۳۳۷ بازنشسته فرهنگی است. او دوران خدمت خود را در منطقه آموزش و پرورش تبادلکان و در مدارس بولوار شاهنامه سپری کرده است. تعریف می کند: آن زمان دانشجوی دانشسرای راهنمایی مشهدهم بودم. دانشسرا در بولوار احمدآباد روبه روی سی متری اول بود. با اینکه مدتی بود که دانشسرا تعطیل شده بود، دانشجویان در حیاط آن جمع می شدند و دوباره اتفاقات روز با هم گفت و گو می کردند. جوانان هم سن و سالم جذب گروه‌های مختلف سیاسی شده بودند و در دانشسرا هم میزی برای خود داشتند و اندیشه‌شان را تبلیغ و ترویج می کردند. شور و هیجان خاصی بر دانشسرا حاکم بود و همه منتظر تغییر و تحول در کشور بودند.

### ● فولکسی که زیر تانک له شد

مهم ترین خاطره او از آن زمان به راهپیمایی نهم و دهم دی ۱۳۵۷ برمی گردد. خوش قدم می گوید: به مناسبت سالگرد شهادت دی ماه قم، جمعیت زیادی به حرم مطهر رضوی آمده بودند؛ تا آن روز این تعداد جمعیت رایک جاندیده بودم. مردم از حرم مطهر امام رضا (ع) به سمت فلکه برق رفتند و از آنجا برای حمایت از کارکنان استانداری که چند روزی بود تحصن کرده بودند، به سمت استانداری حرکت کردیم. به چهارراه لشکر که رسیدیم، جمعیت بیشتر و بیشتر شد. اقشار مختلف حضور داشتند. آنجا بود که خبر دادند تانک‌ها استانداری را محاصره کرده اند. به چشم خود دیدم که تانکی به سمت چهارراه لشکر آمد. یک ارتشی، فرمان را به دست داشت و به هر سمت که می خواست، می رفت. وسط چهارراه که رسید، به سمت میدان عدل خمینی (ع) امروز پیچید و چند نفر را زیر گرفت. همه این‌ها را به چشم خود دیدم. همان روز، مردم وارد فروشگاه ارتش شدند و همه چیز را بردند. روز بعد، مرحوم آیت‌الله شیرازی پیام داد که مردم اموال فروشگاه را به بیتشان ببرند و گفتند که اجناس برای بیت المال است و نگهداشتن آن هادر خانه حرام است. این خاطرات از همان زمان در ذهنم حک شده است و پاک نمی شود. آن روزها اتفاقات زیادی افتاد.

این معلم بازنشسته پس از بیان خاطره اش، درباره ظلم رژیم پهلوی به مردم می گوید: برای انقلاب و تغییر هزینه‌های بسیار شد و افراد بسیاری از جان خود گذشتند. امروز نیز باید همین طور باشد و امیدوارم که با ایثار و تصمیمات درست، وضعیت کشور روز به روز بهتر شود.

غلامحسن اسماعیلی، ۲۴ سال است برای بهبود شرایط زندگی اهالی شهرک ارمغان تلاش می کند

## شهردار «ارمغان»



سیدمصطفی بهشتی

۲۴ سال پیش که ساکن

شهرک شد، بعد از جاگیر شدن

در خانه نو، پاشنه کفشش را بالا

کشید و اداره به اداره سازمان به سازمان

برای پیگیری مشکلات شهرک ارمغان دوید.

هشت سال قبل که برای اولین بار سراغش رفتیم،

آن‌ها که در شهرک او را می شناختند، از او تعریف

می کردند و آن‌ها که نمی شناختند، تعریفش را شنیده

بودند. با گذشت این زمان و قدم گذاشتن غلامحسن اسماعیلی

به پنجاه و شش سالگی، نه تنها او از مسیری که برای خود تعریف

کرده، باز نمانده، که در این راه ثابت قدم تر از قبل شده است.

### ● انتقاد از مصاحبه من

فعال فرهنگی و پرتوان شهرک ارمغان در شروع گفت و گو، گریزی به مصاحبه قبلی با شهر آرمجله می زند و می گوید: آن مصاحبه برای منی که همیشه پیگیر مشکلات و کمبودهای اهالی و شهرک ارمغان بودم، خیلی ارزشمند بود؛ زیرا باعث می شد من را بشناسند و جواب گویی مسئولان بهتر می شد. چند نسخه هم از آن شماره برای خودم گرفتم. بین دوستان و آشنایان هم کسانی مطلب را دیده بودند و اظهار می کردند که نمی دانستند تا این اندازه برای امور محله فعال هستم.

اسماعیلی ادامه می دهد: بعضی از مسئولان آن موقع شهرداری و حتی هم محله‌ای‌ها از من ناراحت بودند و به من انتقاد می کردند که چرا در گفت و گو با شهر آرمجله از فلان مسئول انتقاد یا گلایه کرده‌ام. می گفتند برایم بد می شود. ولی این‌ها برایم اهمیتی نداشت، چون معتقد بودم که باید حقیقت را در باره افرادی که کار مردم را انجام نمی دهند، گفت.

### ● روزی ۲ تا ۳ ساعت در خدمت محله

غلامحسن اسماعیلی به دلیل پیگیری هایش برای حل مشکلات شهرک ارمغان بین اهالی شهرک به عنوان «شهردار شهرک» شناخته می شود و ساکنان محله برای همه کمبودهای محلی در خانه‌اش را می زنند. او توضیح می دهد: هر روز حدود دو سه ساعت از وقت خودم را برای رفع مشکلات شهرک می گذارم و از اداره آب گرفته تا شهرداری و شرکت گاز و دانشگاه علوم پزشکی را برای این موضوعات طی می کنم و معتقدم این اهالی لایق بهترین شرایط هستند.

او ادامه می دهد: خوشبختانه پیگیری‌های من از زمان مصاحبه قبلی تا الان منجر به ساخت مسجد، ایجاد روشنایی زیرگذر و روشنایی معابر، سامان دهی فضای سبز خطی و... شده و البته در این مسیر همراهی مسئولان و همدلی اهالی بسیار مهم و تأثیرگذار بوده است.

### ● احداث مرکز سلامت، درمانگاه و دبستان در شهرک

تلاش برای بهبود وضعیت زندگی در شهرک کم امکانات و پر مشکل ارمغان، برنامه غلامحسن اسماعیلی در هفته‌ها و ماه‌های بعد زندگی اش است؛ او می گوید: وضعیت امروز محله از گذشته اش بهتر است. آینده محله هم باید از امروزش بهتر باشد؛ برای همین است که تلاش من برای حل کمبودها پایانی ندارد. در هفته‌های گذشته، جلساتی با نماینده‌های مشهدهم در مجلس شورای اسلامی و برخی مسئولان استانی داشته‌ایم و برای احداث یک مرکز سلامت، درمانگاه و یک دبستان از مسئولان قول گرفته‌ایم و اقداماتی هم در این زمینه انجام شده است. اگر بتوانیم این سه کار را اجرایی کنیم، بعد سراغ موضوعات دیگر می رویم تا زندگی شهروندان شهرک ارمغان را بهتر از امروز کنیم.

### محلات منطقه ما:

**۱۱:** زیباشهر، آزادشهر، شهید رضوی، سیدرضی دانش آموز، دانشجو، تربیت، شریف و فارغ التحصیلان

**۱۲:** الهیه، امیریه، وکیل آباد جاهد شهر، کلا ته برفی فردوسی، چهاربرج، مجیدیه، رحمانیه، نقویه، صادقیه

مدیر مسئول: سید میثم موسوی مهر  
 سردبیر: سید سجاد طلوع هاشمی  
 دبیر شهر آرا محله: فاطمه خلخالی استاد  
 دبیر شهر آرا محله منطقه ۱۱ و ۱۲: مصطفی بهشتی  
 تلفن شهر آرا محله منطقه ۱۱: ۳۸۶۸۰۵۶۶  
 تلفن دفتر شهر آرا محله منطقه ۱۲: ۳۱۳۹۶۳۶۸

شماره پیامک: ۳۰۰۷۲۸۹  
 دفتر منطقه ۱۱: بولوار دانشجو، دانشجو ۲۹، فرهنگسرای ترفیک، طبقه همکف  
 دفتر منطقه ۱۲: سجادیه ۲۹، شهید حسینی ۲، ساختمان شماره دو شهرداری منطقه ۱۲  
 پست الکترونیک: mahalle11@shahrara.ir  
 mahalle12@shahrara.ir  
 کانال شهر آرا محله: @ShahraraMahaleh  
 دریافت نسخه الکترونیک شهر آرا محله از: shahraranews.ir



## کوچه دوسر بن بست

آن از طریق معابر فرعی متصل صورت می گیرد. کوچه امیریه ۱۰ را می توان جزو محدود معابر باریک محدوده الهیه دانست که اهالی آن با کمبود جای پارک خودرو و مشکل تردد خودروها روبه رو هستند.

سید مصطفی بهشتی | کوچه امیریه ۱۰ از معابر فرعی محله الهیه است. این کوچه باریک که از طرفی به بولوار امیریه متصل است و از سویی دیگر به بولوار اقدسیه، از هر دو طرف برای تردد وسایل نقلیه محدود شده است و رفت و آمد به

## کوچه امیریه ۱۰

### منطقه ۱۱ - محله امیریه



مجتمع مسکونی یاسمن، در انتهای امیریه ۱۰ واقع شده است. این مجتمع عمری ده ساله دارد و هشتاد واحد مسکونی را در برمی گیرد.



بوستان محلی اقدسیه جزو فضاهای سبز دارای امکانات در محدوده الهیه است. این بوستان سال ۱۳۹۴ به بهره برداری رسیده و وسایل ورزشی، آب نما، بوفه، مسیر پیاده روی و زمین بازی کودکان را در خود جای داده است.



زمین های خاکی در قطعات کوچک، بزرگ ترین مشکل اهالی امیریه ۱۰ است. رها کردن زباله در این اراضی نیز سبب نارضایتی همسایه ها می شود.

دبستان سید محمد رضا محمودی هاشمی، تنها مدرسه دولتی این معبر است که در سال ۱۳۹۶ ساخته شده و میزبان دانش آموزان پسر در دوره های اول و دوم است.

